



بلقیس و عاشقانه‌های دیگر

نزار قبّانی

ترجمهٔ موسی بیدج

فهرست

۷	درنگی بر زندگی شاعر
۱۵	شعر، معطر، سرمه کشیده و خوش پوش می آید
۵۱	بوستان
۵۳	هر وقت شعری عاشقانه بسرایم تو را سپاس می گویند
۶۱	پیوند زن و شعر
۶۵	کبوتر سبز عشق تو
۶۸	یادداشت های یک نقاش
۷۳	برای گرم شدن جز عشق تو وسیله ای نیست
۸۰	تو را در روزگاری دوست دارم که عشق را نمی شناسد
۸۹	فال قهوه
۹۴	عشق، روز یکشنبه
۱۰۳	شعر اندوه
۱۱۱	نامه ای از زیر آب
۱۱۵	پیش از چشمان تو تاریخی نبود
۱۲۲	استاد عشق استعفا می کند
۱۳۰	پنج نامه برای مادرم
۱۳۷	بلقیس

درنگی بر زندگی شاعر

نزار قبّانی، شاعر شهیر عرب، در سال ۱۹۲۳ به دنیا آمد. این شاعر که مشهورترین عاشقانه‌سرای جهان عرب است، از تولد خود چنین سخن گفته است:

من فقط می‌دانم که در روز تولدم، طبیعت به اجرای انقلاب خود بر ضد زمستان سرگرم بود و از مزرعه‌ها و گیاه‌ها و گل‌ها و گنجشک‌ها می‌خواست که او را در این انقلاب در برابر روش یکنواخت زمین تأیید کنند.

قبّانی در سال ۱۹۴۴ و زمانی که فقط بیست و یک سال از عمرش می‌گذشت و در رشته حقوق دانشگاه دمشق درس می‌خواند، نخستین دفتر شعر خود را با نام زن سبزه‌رو به من گفت منتشر ساخت. انتشار این کتاب در سوریه، هیاهویی به راه انداخت و مخالفان و موافقان بسیاری یافت. مخالفان این کتاب به دو دسته تقسیم می‌شدند. نخست کسانی که با سخن نو آوردن در شعر عرب مخالفت می‌ورزیدند و دوم آنانی که آوردن سخن خارج از عبارات اجتماعی آن روزگار را حرام می‌دانستند. موافقان کتاب شعر قبّانی نیز طبقه دانشجو، متجدد و کسانی بودند که

از قید و بندهای سنگین اجتماع خود به تنگ آمده بودند. اما نزار قبّانی در این دفتر شعر که نخستین بار با سرمایه شخصی و در سیصد نسخه منتشر کرده بود، از بیان عشق، غریزه، تاختن به قید و بندهای اجتماعی فروگذار نکرده بود. او بی توجه به مخالفت‌ها به راه خود ادامه داد و در عاشقانه‌سرایی‌ها به راه‌هایی پا گذاشت که پیش‌تر کسی جرئت پیمودن آن را نداشت.

قبّانی پس از فراغت از تحصیل در رشته حقوق، به استخدام وزارت خارجه سوریه در آمد و در سفارتخانه‌های این کشور در پایتخت‌های مختلف به خدمت پرداخت. نخستین مأموریت او رفتن به قاهره بود که سه سال طول کشید و به اعتراف خود او نقطه عطفی برای شعر و اندیشه‌اش به شمار آمد.

قبّانی در کتاب خاطرات شاعرانه خود از شهرهای پکن، مادزید و لندن به عنوان نقاط عطف دیگر در زندگانی ادبی خود یاد می‌کند.

قبّانی پس از زن سبزه‌رو به من گفت به فاصله هر سه چهار سال یکبار، دفتر شعری منتشر می‌کرد و با هر کتاب خود بحث و جنجال گسترده‌ای در مطبوعات کشورهای عربی راه می‌انداخت. کتاب‌های بعدی قبّانی که تا سال ۱۹۶۶ به ترتیب منتشر شدند عبارتند از:

کودکی سینه، سامبا، تو از آن منی، شعرها، محبوب من و نقاشی با کلمات. موضوع محوری تمام سروده‌های این شش کتاب، عشق است. اما عشق قبّانی در جسم خلاصه شده و اگر گاهی از توصیف جزئیات پیکر محبوب و سرکشی‌های غریزی خود فراغت یافته، به موضوعاتی چون ستم بر زنان و تضييع حقوق آنان در جامعه عرب پرداخته است.

منتقدان ادبی عرب، لقب‌های بسیاری برای قبّانی درست کرده‌اند. القابی چون شاعر عشق، شاعر زن، شاعر رسوایی، شاعر طبقه

مخمل‌پوش، شاعر تاجر، شاعر ملعون، شاعر شکست و ناامیدی، شاعر هجو سیاسی، شاعر غزل‌های حسی و غیره. این نام‌ها اغلب به دلیل نگرشی که قبّانی در غزل‌های خود بیان کرده پدید آمده است. سیر تحول در شعرهای قبّانی از غزل با موضوعی جسمانی به غزل با موضوعی اجتماعی پس از انتشار حدود هفت مجموعه رخ نمایانده است و این امر او را به عنوان مدافع سرسخت حقوق زنان در جامعه عرب شناساند.

قبّانی در سال ۱۹۶۶ پس از ۲۱ سال کار در حوزه سیاست، از مشاغل دیپلماتیک کناره گرفت و به منظور نزدیک شدن به کانون فعالیت‌های فرهنگی، شهر بیروت را برای اقامت برگزید. او در همان موقع، انتشاراتی به نام خود برپا ساخت و به کار انتشار کتاب‌های خود و دیگران پرداخت. با فرارسیدن سال ۱۹۶۷ و شکست حکومت‌های عربی از رژیم اشغالگر قدس، در نزار قبّانی انقلابی درونی رخ نمود. او در این مقطع شعری را با عنوان «حاشیه‌ای بر دفتر شکست» سرود که هیاهویی به راه انداخت. قبّانی در فصلی از این منظومه چنین سروده است:

احساس در پوستمان مرده است

جان‌هایمان

از پوچی

می‌نالند.

روزهایمان

نرد است

شطرنج است

و خمیازه.

آیا ما

بهترین قومیم

که بر مردمان مبعوث شدیم؟